

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مجموعه سوالات طبقه بندی شده

اصول فقه

احمد زهرهوند

وکیل پایه یک دادگستری

سرشناسه : زهره‌وند، احمد، ۱۳۶۹ -  
عنوان و نام پدیدآور : مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده‌ی اصول فقه  
مشخصات نشر : تهران: مکتوب آخر، ۱۳۹۶.  
مشخصات ظاهری : ۵۰۷ ص: جدول.  
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۰۲۸-۵-۲ :  
وضعیت فهرست نویسی : فیپای مختصر  
شماره کتابشناسی ملی : ۴۹۲۱۴۱۳ :  
تاریخ درخواست : ۱۳۹۶/۰۷/۲۶ :  
کد پیگیری : ۴۹۲۰۴۸۳ :

---

**عنوان کتاب: مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده‌ی اصول فقه**

**مؤلف: احمد زهره‌وند**

**ناشر: مکتوب آخر**

**ناظر چاپ: محمد کاظم بیات**

**ویراستار و صفحه‌آرا: مریم حق پرست**

**نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۶**

**قطع و تیراژ: وزیری / ۱۰۰۰ نسخه**

**قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان**

**شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۰۲۸-۵-۲**

**مرکز پخش و آدرس: انتشارات کتاب آوا- تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، بن**

**بست حقیقت، پلاک ۴، طبقه ۲، واحد ۴.**

**تلفن تماس: ۶۶۹۷۴۶۴۵-۶۶۹۷۴۱۳-۰۲۱.**

**آدرس ناشر: تهران، خیابان سهروردی شمالی، نرسیده به خیابان خرمشهر، کوچه فیروزه،**

**پلاک ۲۵، ط ۵، واحد ۱۸.**

**تلفن: ۸۸۷۶۹۲۲۳-۰۲۱.**

## فهرست

### باب اول: الفاظ ..... ۵

فصل اول - وضع الفاظ.....	۷
فصل دوم - اوامر و نواهی.....	۴۷
بخش اول: سؤالات آزمون وکالت.....	۴۷
بخش دوم: سؤالات تألیفی اوامر و نواهی.....	۹۳
فصل سوم - مفاهیم.....	۱۱۱
بخش اول: سؤالات آزمون‌ها.....	۱۱۱
بخش دوم: سؤالات تألیفی.....	۱۵۱
فصل چهارم - عام و خاص.....	۱۷۱
بخش اول: سؤالات آزمون‌ها.....	۱۷۱
بخش دوم: سؤالات تألیفی.....	۲۱۵
فصل پنجم - مطلق و مقید.....	۲۳۹
بخش اول: سؤالات آزمون‌ها.....	۲۳۹
فصل ششم - مجمل و مبین.....	۲۴۹
بخش دوم: سؤالات تألیفی.....	۲۵۵

### باب دوم: ادله استنباط ..... ۲۶۷

فصل اول - قرآن، سنت و اجماع.....	۲۶۹
بخش اول: سؤالات آزمون‌ها.....	۲۶۹
بخش دوم: سؤالات تألیفی.....	۲۷۸
فصل دوم - قیاس.....	۲۸۱
بخش اول: سؤالات آزمون‌ها.....	۲۸۱
بخش دوم: سؤالات تألیفی.....	۲۹۳
فصل سوم - عقل.....	۲۹۷
بخش اول: سؤالات آزمون‌ها.....	۲۹۷
بخش دوم: سؤالات تألیفی.....	۳۱۳

- فصل چهارم - قاعده استصلاح، استحسان سد ذرایع، عرف عادت..... ۳۱۷
- بخش اول: سؤالات آزمون‌ها..... ۳۱۷
- بخش دوم: سؤالات تألیفی..... ۳۲۰
- فصل پنجم - امارات..... ۳۲۷
- بخش اول: سؤالات آزمون‌ها..... ۳۲۷
- بخش دوم: سؤالات تألیفی..... ۳۳۳

## باب سوم: تعارض ادله ..... ۳۳۵

- فصل اول - اصل برائت..... ۳۳۷
- بخش اول: سؤالات آزمون‌ها..... ۳۳۷
- بخش دوم: سؤالات تألیفی..... ۳۵۹
- فصل دوم - اصل احتیاط و اشتغال..... ۳۶۷
- بخش اول: سؤالات آزمون‌ها..... ۳۶۷
- بخش دوم: سؤالات تألیفی..... ۳۷۹
- فصل سوم - اصل تخییر..... ۳۸۵
- بخش اول: سؤالات آزمون‌ها..... ۳۸۵
- بخش دوم: سؤالات تألیفی..... ۳۹۱
- فصل چهارم - اصل استصحاب (عناصر آن، اقسام استصحاب، شک ساری یا قاعده یقین، تعارض بین اقسام آن)..... ۳۹۵
- بخش اول: سؤالات آزمون‌ها..... ۳۹۵
- بخش دوم: سؤالات تألیفی..... ۴۳۵
- فصل پنجم - تعارض ادله (تعریف و اقسام تعارض، فرق تعارض و تزاحم، تخصیص، تخصص، حکومت ورود، جمع عرفی و تعادل و ترجیح)..... ۴۴۳
- بخش اول: سؤالات آزمون‌ها..... ۴۴۳
- بخش دوم: تألیفی..... ۴۹۱
- منابع و ماخذ..... ۵۰۹



**باب اول: الفاظ**



## فصل اول - وضع الفاظ

۱- کلام علم مطالعه‌ی موجودات است از طریق .....

(وکالت ۸۷)

۱. شرعی صرف

۲. استقرائی

۳. عقلی صرف

۴. شرعی و عقلی (تا جایی که عقل برخلاف شرع نباشد)

✓ گزینه «۴» صحیح است.

در بین مذاهب مختلف روش‌های متفاوتی برای استنباط مسائل علمی و فقهی وجود دارد که در یک تقسیم‌بندی به شرح ذیل می‌باشد:

مکتب فقیهان و مکتب متکلمان در بین مذهب اهل سنت، مکتب اصولی و مکتب اخباری در بین پیروان مذهب تشیع وجود دارد.

**مکتب متکلمان:** متکلم از ماده کلام گرفته شده و کلام، علمی است که از اصول مذهب و مسائل مربوط به آن گفت‌وگو می‌کند. علم کلام با فلسفه نزدیکی بسیار دارد. فلسفه و حکمت مطالعه درباره موجودات است از طریق عقلی، علم کلام مطالعه درباره موجودات است از طریق شرعی، البته عقل را هم تا جایی که برخلاف شرع نباشد به کار می‌گیرند؛ بنابراین علم کلام علم مطالعه موجودات است از طریق شرعی و عقلی (تا جایی که عقل برخلاف شرع نباشد) شرح گزینه ۴.

**مکتب فقیهان:** دانشمندان این مکتب در استنباط احکام شرعی روشی خاص داشتند. روشی که به کار می‌بردند بررسی فروع و مسائل جزئی فقهی و استخراج قواعد کلی از آنها بود (روش استقراء) و هرگاه قاعده‌ای کلی با حکم فرعی یا فروعی تطبیق نمی‌کرده آن قاعده را اصلاح کرده، به صورتی در می‌آوردند که با فروع و مصادیق تطبیق نماید. اینان را که بیشتر به فروع و حکم آنها توجه داشته‌اند و حکم شرعی مسائل جزئی را بیشتر مورد نظر قرار داده‌اند فقیه نامیده‌اند؛ زیرا فقه به معنای فهمیدن حکم فروع جزئی است. شرح گزینه ۲.

**مکتب اخباری:** اخباری‌ها معتقد بودند که عقل در مسائل شرعی راه ندارد و مسائل شرعی را باید از طریق شرعی یعنی قرآن و اخبار و اجماع گرفت. (شرح گزینه ۱)

مکتب اصولی: اصولی‌ها در مقابل مکتب اخباری‌ها هستند. پیروان این مکتب معتقدند که باید علاوه بر قرآن و اجماع و سنت به دلیل عقلی نیز تمسک جست و در مقام استنباط احکام شرعی دلیل عقل نیز می‌تواند مؤثر و مفید واقع شود.

(ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط، شماره ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰)

### اقسام وضع

۲- تفاوت مهم وضع تعیینی با وضع تعینی در چیست؟

(وکالت ۸۴)

۱. در آثار آن است.

۲. در واضع آن است.

۳. در تفاوت ماهوی آن است.

۴. در کثرت استعمال آن است.

✓ گزینه «۲» صحیح است.

**وضع لفظ:** وضع در لغت به معنای گذاشتن و قراردادن است و در اصطلاح اصول فقه و منطق نیز تقریباً در همین معنا به کار رفته و منظور از آن قراردادن لفظی در برابر معنایی است؛ بنابراین برای مثال اگر شهرداری نام خیابانی را «امیر کبیر» قرار دهد در این صورت خیابان موضوع له، لفظ «امیر کبیر» موضوع، شهرداری واضع و عمل شهرداری هم وضع نام دارد.

ارتباط و پیوند بین لفظ و معنا گاهی از سوی فرد یا افرادی معین است (برای مثال قانون‌گذار یا شهرداری) و گاه در اثر کثرت استعمال لفظ در معنا ایجاد می‌شود. بر این اساس وضع لفظ را به وضع تعیینی (تخصیصی) و تعیینی (تخصیصی) تقسیم می‌نمایند.

وضع تعیینی یا تخصیصی عبارت است از اینکه لفظی را برای معنایی معین نموده در برابر آن قرار دهند؛ مانند عمل شهرداری در نام‌گذاری خیابان.

وضع تعیینی عبارت است از اینکه لفظی در معنایی دیگر، یعنی در غیر از معنای موضوع له، با قرینه و با مناسبتی به کار رود و به اصطلاح به طور مجاز استعمال شود و به قدری این استعمال زیاد شود که پس از چندی هر وقت آن لفظ بدون قرینه به کار برده شود همین معنای دوم فهمیده شود. چنانکه کلمه قانون هم در اول به معنای «خط کش» بوده و بعد به واسطه استعمال زیاد در معنای فعلی، معنای مجازی آن بوده بکار می‌رود. اکنون فقط همین

معنا از آن فهمیده می‌شود و در واقع کلمه قانون در معنای فعلی حقیقت یافته و تعیین پیدا کرده است.

به عبارت دیگر وضع تعیینی یا تخصیصی در اثر جعل و قرارداد و انشاء واضع (فرد یا افراد معین) به وجود می‌آید و وضع تعیینی یا تخصیصی در اثر کثرت استعمال (افراد نامعین) محقق می‌گردد. ایراد گزینه ۱ این است که وضع تعیینی و تعیینی دارای آثاری یکسان هستند. به عبارتی اثر هر دو دلالت لفظ بر معنایی است که برای آن وضع شده خواه به وضع تعیینی بوده خواه وضع تعیینی و همچنین ایراد گزینه ۳ این است که در وضع تعیینی و تعیینی لفظ هر دو در مقابل معنی قرار می‌گیرند و از نظر ماهیتی تفاوتی باهم ندارند.

### ۳- وضع تعیینی یا تخصیصی چیست؟

(وکالت ۸۶)

۱. هرگاه واضع، لفظی را به کمک قرینه در یک معنی خاص، معین کند.
  ۲. هرگاه واضع، لفظی را به کمک قرینه در یکی از معانی متعدد آن تخصیص دهد.
  ۳. هرگاه واضع، لفظی را بدون استفاده از قرینه به یک معنی خاص، تخصیص دهد.
  ۴. هرگاه لفظی در اثر کثرت استعمال در معنایی به غیر از معنای وضعی آن تثبیت شود.
- ✓ گزینه «۴» صحیح است. (ر.ک به شرح تست شماره ۲)

### ۴- وضع تعیینی وقتی مصداق پیدا می‌کند که لفظ.....

(وکالت ۷۲)

۱. به وسیله عرف در معنی مجازی استعمال شود.
  ۲. در غیر ماوَضِعَ له و در اثر کثرت استعمال به کار رود.
  ۳. از معنای حقیقی خود جدا شده، معنای دیگری پیدا کند.
  ۴. هرگاه در اثر کثرت استعمال عرف، یک معنی مجازی ثابت پیدا کند که بدون قرینه از لفظ فهمیده شود.
- ✓ گزینه «۴» صحیح است.

ایراد سایر گزینه‌ها این است که لفظ اگر در معنای موضوع له خود استعمال شود حقیقت است. در این مسئله فرقی نمی‌نماید که لفظ در اصل لغت برای این معنا وضع شده باشد یا عرف، آن لفظ را برای این معنا وضع کرده باشد (وضع تعیینی) یا اینکه وضع از طرف قانون‌گذار یا شارع



باشد (وضع تعیننی) بنابراین با وضع تعیننی لفظ از معنایی که ابتدائاً برای آن وضع شده جدا و در معنای مجازی دیگری در اثر کثرت استعمال به کار می‌رود به طوری که بعد از مدتی هرگاه آن لفظ بدون قرینه به کار رود همان معنای مجازی فهمیده می‌شود که در این صورت این معنای مجازی برای آن لفظ با وضع تعیننی حقیقت می‌یابد و وضع می‌گردد. بر همین اساس است که اصولیون حقیقت را با توجه به ماهیت واضع به پنج قسم تقسیم نموده‌اند: حقیقت لغوی، حقیقت عرفی، حقیقت شرعی و حقیقت قانونی و حقیقت متشرعه است. ایراد گزینه ۲ در این است که صرف به کار رفتن در غیر مآوضع له و کثرت استعمال کافی نیست بلکه آن لفظ باید در آن معنای مجازی یا همان «غیر مآوضع له» تعیین پیدا نماید؛ بنابراین گزینه ۴ پاسخ کامل است.

#### ۵- وضع تعیننی یا تخصیصی آن است که .....

(وکالت ۷۴)

۱. واضع، با کثرت استعمال، لفظی را در قبال معنایی قرار داده باشد.
  ۲. عرف، در اثر کثرت استعمال، لفظی را در قبال معنایی دیگر تثبیت کرده باشد.
  ۳. عرف لفظی را به کمک قرینه در معنایی دیگر به کار برد.
  ۴. واضع، به وضع لفظی در برابر معنی معیننی تصریح نماید.
- ✓ گزینه «۲» صحیح است.
- (ر.ک به شرح تست شماره ۲)

#### ۶- مشترک لفظی چیست؟

(وکالت ۸۱)

۱. لفظی است که بر مصادیق متعددی دلالت کند.
  ۲. لفظی است که دارای معانی حقیقی و مجازی باشد.
  ۳. لفظی است که در معنی، مترادف با لفظ دیگری باشد.
  ۴. لفظی است که برای بیش از یک معنی، وضع شده باشد.
- ✓ گزینه «۴» صحیح است.

لفظ و معنا در یک تقسیم‌بندی از جهت وحدت و تعدد به سه حالت است:

- یک لفظ در مقابل یک معنا - لفظ مختص

- چند لفظ در مقابل یک معنا مترادف

- چند لفظ در مقابل چند معنا - چند معنایی

### شرح مختصر:

**لفظ مختص:** اگر لفظی تنها بر یک معنا دلالت کند، آن را «لفظ مختص» یا تک معنا نامند؛ مانند مالک - تهران - کتاب

**نکته:** لفظ مختص ممکن است یک معنی جزئی و یک مصدق یا فرد معین داشته باشد؛ (مانند احمد. اصفهان و ...) یا یک معنی کلی مانند بیع

**لفظ مترادف:** اگر دو یا چند لفظ برای یک معنا باشد؛ یعنی چند لفظ برای یک معنا وضع شده باشد آن الفاظ را مترادف یا هم معنا می‌نامند؛ مانند علم و دانش، انسان و بشر

**لفظ دارای چند معنا:** گاهی الفاظ و واژه‌ها در چند معنا به کار می‌روند که به آن‌ها چند معنایی یا چند معنا گفته می‌شود. این الفاظ به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. لفظ مشترک

۲. منقول

۳. حقیقت و مجاز

۱. **لفظ مشترک:** هرگاه یک لفظ در ابتدا برای چند معنای متفاوت وضع شده باشد آن را مشترک می‌نامند. برای مثال لفظ عین در زبان عربی برای معانی متعددی مانند چشم، طلا، چشمه ... که تقریباً بالغ بر ۷۰ معانی متعدد دارد وضع شده است یا لفظ حقوق به معنای علم حقوق، دستمزد، مجموع امتیازهای مشترک به کار می‌رود یا واژه دولت که معنای قوه مجریه یا حکومت و ... است.

**نکته:** در اصطلاح اهل منطق به لفظی که دارای چند معنا باشد مشترک لفظی می‌گویند. از سوی دیگر اصطلاح دیگری به‌عنوان «مشترک معنوی» مطرح شده که عبارت است از اینکه لفظی دارای یک معنای کلی است؛ یعنی یک لفظ در مقابل یک معنا که آن معنا کلی است؛ یعنی بر افراد زیادی قابل صدق است؛ مانند انسان که دارای یک معناست (حیوان ناطق) اما شامل افراد مختلفی مثل حمید، علی و... می‌شود یا لفظ بیع که به معنای تملیک عین به عوض معلوم است؛ اما بر مصادیق مختلفی از قبیل بیع عین معین، کلی و کلی در معین صدق می‌نماید. باید توجه داشت که مشترک معنوی از اقسام لفظ مختص است، چون تنها یک

- معنا دارد و بنابراین مشترک معنوی در مقابل مشترک لفظی قرار نمی‌گیرد.
۲. **لفظ منقول:** لفظی است که از معنای قبلی‌ای که برایش وضع شده، به دلیل وجود مناسبتی به معنای جدید انتقال می‌یابد به عبارتی نقل پیدا می‌کند که معمولاً معنای سابق آن مهجور و متروک می‌گردد. برای مثال لفظ مکتب در لغت به معنای محل کتابت و آموزش بوده، ولی اکنون به معنای دیدگاه‌ها و اندیشه‌های انسجام‌یافته نقل پیدا کرده است.
۳. **لفظ حقیقت و مجاز:** هرگاه لفظی در چند معنا به کار رود، در حالی که تنها برای یکی از معانی وضع شده باشد و در معنای دیگر فقط به دلیل مناسبت داشتن بکار رود بحث حقیقت و مجاز مطرح می‌شود.

#### ۷- کدام مورد مثالی برای لفظ مترادف است؟

(وکالت ۹۳)

۱. رجم و سنگسار
۲. محاربه و افساد فی الارض
۳. دادگاه و مرجع قضائی
۴. قاضی و حاکم شرع

✓ گزینه «۱» صحیح است.

لفظ مترادف یا هم‌معنا، در مواردی که اصطلاحات فقهی و حقوقی وارد زبان فارسی شده‌اند و همان اصطلاحات اصلی در زبان فارسی هم علاوه بر معادل و ترجمه آن به کار می‌رود بیشتر کاربرد دارد؛ مانند دیه و خون‌بها، رجم و سنگسار، بیع و خرید و فروش، صغیر و کودک. در خصوص الفاظ مترادف باید به خاطر داشت که برخی الفاظ در ابتدا مترادف به نظر می‌رسند؛ ولی با کمی دقت در معانی و کاربردهای آنها می‌توان به تفاوت‌های ظریفی در معنای آنها پی برد. بنابر این ادعای ترادف بین دو یا چند کلمه نیازمند دقت و تأمل کافی است؛ بنابراین گزینه ۲ محاربه و افساد فی الارض دارای یک معنا نیستند رجوع شود به ماده ۲۷۹ و ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. در مورد گزینه ۳ نیز دادگاه و مرجع قضائی لزوماً به یک معنا نیست. ایراد گزینه ۴ هم این است که حاکم شرع معنای گسترده‌تر از قاضی را دارد و لزوماً هر قاضی‌ای حاکم شرع نیست. (حسین قافی، سعید شریعتی، اصول فقه کاربردی، ج ۱ ش ۳۹)



## ۸- شرایط استعمال مجازی کدامند؟

(وکالت ۹۵)

۱. قرینه صارفه و وجود علاقه بین معنای حقیقی و مجازی

۲. وجود علاقه مشابهت بین معنای حسیه و مجازی

۳. صحت سلب و وجود قرینه معینه

۴. عدم تبادر و وجود قرینه لفظی

✓ گزینه «۱» صحیح است.

استعمال مجازی یعنی به کار بردن لفظ در غیر معنای ماوضع له با رعایت تناسب و قرینه؛ برای استعمال لفظ در معنای مجازی لزوماً باید دو شرط جمع باشد در غیر این صورت و عدم وجود یکی از این شرایط موجب می‌شود که استعمال غلط محسوب گردد. ضرورت وجود:

۱. مناسبت

۲. قرینه

مناسبت: برای استعمال لزوماً باید میان معنای حقیقی و معنای مجازی ارتباط و مناسبتی وجود داشته باشد تا ذهن بتواند به مفهوم مورد نظر گوینده برسد. ارتباط و مناسبت بین معنای «موضوع له» و معنای مجازی را در اصطلاح علاقه نیز می‌گویند. مناسبت یا علاقه بین معنای حقیقی و مجازی انواع مختلفی دارد که برخی عبارتند از: علاقه مشابهت؛ مثل شیر برای انسان شجاع، علاقه ظرف و مظهر؛ مثل دادگاه حکم داد؛ که منظور قاضی دادگاه است، علاقه جز و کل مثل اینکه کسی دیوار خانه‌اش خراب شود و بگوید خانه‌ام خراب شد. علاقه مشارفت؛ مثلاً به دانشجوی دکتری بگوییم دکتر، به جهت اینکه در آینده دکتر خواهد شد، علاقه ماکان؛ مثلاً به قاضی بازنشسته بگوییم قاضی به اعتبار اینکه در گذشته قاضی بوده است.

شرط دوم، قرینه: قرینه خود بر دو گونه است:

۱. قرینه صارفه

۲. قرینه معینه

قرینه صارفه: علاوه بر وجود مناسبت باید علامت و نشانه‌ای در کلام گوینده وجود داشته باشد که نشان دهد منظور گوینده معنای حقیقی لفظ نبوده، بلکه معنای دیگری غیر از معنای موضوع له را اراده کرده است. به این قرینه یا نشانه «قرینه صارفه» گفته می‌شود. علت این نام‌گذاری به این دلیل است که این نشانه ذهن مخاطب را از معنای حقیقی منصرف و متوجه



معنای مجازی می‌کند.

قرینه معینه: نشانه‌ای است که برای تعیین معانی حقیقی لفظ مشترک به کار برده می‌شود؛ به عبارت بهتر قرینه معینه برای مخاطب معین می‌نماید که منظور گوینده کدام یک از معانی حقیقی یک لفظ مشترک است.

نکته ۱: تفاوت قرینه صارفه و معینه در این است که قرینه صارفه برای تشخیص معنای مجازی از معنای حقیقی است ولی قرینه معینه برای تعیین یکی از معناهای حقیقی لفظ مشترک است.

نکته ۲: قرینه چه در استعمال مجازی و چه در استعمال لفظ مشترک، ممکن است بصورت قرینه لفظی باشد که در قالب لفظ بیان می‌شود یا غیر لفظی باشد که به آن قرینه حالی یا مقامی گویند؛ مانند بکار بردن لفظ مرده بر بیمار بدحال یا در حال مرگ

۹- استعمال مجازی الفاظ، عبارت است از اینکه لفظ.....

(وکالت ۷۲)

۱. در دو معنی به کار رود.
  ۲. به وسیله قرآینی، در یکی از معانی خود به کار رود.
  ۳. به کمک قرینه و با تناسب معنی اصلی، در معنی دیگری به کار رود.
  ۴. به قرینه‌ای دلالت کند که مقصود استعمال کننده چیست.
- ✓ گزینه «۳» صحیح است.
- (ر.ک به شرح تست شماره ۸)

۱۰- استعمال مجازی عبارت است از به کار بردن لفظی در.....

(وکالت ۷۷)

۱. غیر معنی لغوی، با رعایت تناسب و کمک قرینه
  ۲. مدلول کنایی آن
  ۳. معانی مختلف آن، با رعایت تناسب
  ۴. معنی وضعی تخصیصی آن
- ✓ گزینه «۱» صحیح است.
- (ر.ک به شرح تست شماره ۸)

## ۱۱- استعمال مجازی عبارت است از استعمال لفظ در.....

(وکالت ۷۸)

۱. غیر معنی وضعی آن
  ۲. معنی اصطلاحی آن
  ۳. معنی عرف عام آن
  ۴. معنی مأنوس ذهن شنونده
- ✓ گزینه «۱» صحیح است.

(ر.ک به شرح تست شماره ۸) منظور از غیر معنی وضعی همان به کار بردن لفظ در غیر معنای موضوع له است که معنای موضوع له همان معنای حقیقی است.

## ۱۲- استعمال لفظ در کدام مورد مجازی است؟

(وکالت ۹۳)

۱. زوجه در مورد زوجه منقطعه
  ۲. فرزند در مورد فرزند طبیعی (نامشروع)
  ۳. صداق در مورد مهریه
  ۴. قانون در مورد بخش نامه‌های دولتی
- ✓ گزینه «۴» صحیح است.

حقیقت لفظی است که در «ماوضع له» به کار رفته باشد و مجاز لفظی است که در «غیر ماضع له» به کار رفته باشد. مانند استفاده از کلمه قانون در مورد بخشنامه‌های دولتی؛ چرا که آنچه معنای «ماوضع له» قانون است عبارت است از مصوبه‌های قوه مقننه که تشریفات مقرر در ماده ۱ تا ۳ قانون مدنی را طی نموده باشد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی اصول استنباط اسلامی شماره ۳۸) سایر گزینه‌ها همگی دارای استعمال حقیقی هستند.

گزینه ۱: لفظ زوجه مشترک معنوی بوده، بین زوجه دائم و منقطعه، (ر.ک به ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی).

گزینه ۲: به کار بردن لفظ فرزند در مورد فرزند طبیعی (نامشروع) حقیقت است. چون فرزند طبیعی حقیقتاً و عرفاً فرزند محسوب می‌شوند. همچنین ر.ک به رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳۷۶.

گزینه ۳: لفظ صداق به معنای مهر می‌باشد که عبارت است از مالی که زن بر اثر ازدواج مالک آن می‌گردد و مرد ملزم به دادن آن به زن می‌شود.

۱۳- کدام مورد نادرست است؟ استعمال لفظ ..... استعمال مجازی است.

(وکالت ۹۰ گیلان)

۱. کارگر در مورد کارمند
  ۲. طلاق در مورد فسخ نکاح
  ۳. زوجه در مورد زوجه‌ی منقطعه
  ۴. قانون در مورد بخشنامه‌های دولتی
- ✓ گزینه «۳» صحیح است.  
(ر.ک به شرح تست شماره ۱۲)

۱۴- استعمال لفظ موات در مورد زمینی که سابقه عمران ندارد به کار بردن لفظ است

در .....

(وکالت ۷۹)

۱. حقیقت شرعیه (قانونیه)
  ۲. موضوع له خود.
  ۳. معنای مجازی.
  ۴. معنای حقیقی.
- ✓ گزینه «۱» صحیح است.
- لفظ موات در لغت به معنای مرده و بی‌جان است که در این معنا دارای حقیقت لغوی است؛ اما به مرور زمان و در اثر کثرت استعمال در شرع و قانون به معنای زمین‌هایی که سابقه عمران و آبادی ندارد تغییر یافته است و دارای حقیقت قانونی گردیده است. باید توجه داشت که حقیقت قانونی و حقیقت شرعی با یکدیگر دو امر متفاوتی هستند که در این گزینه با تسامح در یک معنا به کار رفته است.

۱۵- برابر موازین مقبول در علم اصول فقه، اطلاق واژه «مدرس» به کسی که در آینده

مدرس خواهد شد:

(وکالت آذر ۸۴)

۱. از نظر قواعد استعمال الفاظ، صحیح نیست.
  ۲. مانعی ندارد، حتی اگر قرینه‌ای هم نصب نشود.
  ۳. در صورتی صحیح است که قرینه‌ای همراه با لفظ باشد.
  ۴. در صورتی صحیح است که میان استعمال لفظ و مدرس شدن آن فرد، فاصله طولانی نباشد.
- ✓ گزینه «۳» صحیح است.

۳. مبادی اگرچه باهم متفاوتند؛ اما این ویژگی سبب اختلاف در نحوه تلبس نمی‌شود.  
 ۴. در فرض سؤال، مبدأ به‌گونه‌ای است که می‌توان تاجر را همچنان متلبس به مبدأ به شمار آورد.

✓ گزینه «۴» صحیح است.

(ر.ک به شرح تست شماره ۱۵)

### ۱۷- قرینه معینه در چه مواردی ضرورت دارد؟

(وکالت ۸۱)

۱. در استعمال مجازی الفاظ
  ۲. در استعمال الفاظ مترادف
  ۳. در استعمال لفظ مشترک در یکی از معانی آن
  ۴. در استعمال لفظ، در اکثر از معنی واحد
- ✓ گزینه «۳» صحیح است.  
 (ر.ک به شرح تست شماره ۸)

### ۱۸- اقسام قرینه عبارتند از:

(وکالت ۸۴)

۱. لغوی و عرفی
  ۲. تبعیدی و توصلی
  ۳. تعیینی و تخصیصی
  ۴. صارفه و معینه
- ✓ گزینه «۴» صحیح است.

ایرادات سایر گزینه‌ها این است که گزینه ۱ در خصوص یکی از اقسام حقیقت است که یک لفظ یا دارای حقیقت لغوی است یا عرفی یا شرعی و قانونی. گزینه ۲ نیز تبعیدی و توصلی بودن اعمال یکی از اقسام واجبات است که در مبحث احکام تکلیفی مورد بحث قرار می‌گیرد. گزینه ۳ نیز تعیینی و تخصیصی یکی از اقسام وضع لفظ است نه از اقسام قرینه.

### ۱۹- دو شرطی که در استعمال مجازی الفاظ، باید رعایت شوند، کدامند؟

(وکالت ۸۶)

۱. قرینه لفظی و نیز وجود شباهت میان معنی حقیقی و مجازی لفظ
۲. قرینه معینه و نیز وجود نسبت قابل قبول ذوق‌ها میان معنی حقیقی و مجازی لفظ



۳. قرینه معینه لفظی یا معنوی و تشابه میان معنی حقیقی و مجازی لفظ

۴. قرینه صارفه و وجود نسبت ذوق پسند میان معنی حقیقی و مجازی لفظ

✓ گزینه «۴» صحیح است.

(ر.ک به شرح تست شماره ۸)

۲۰- کلمه «خانه‌شان» در عبارت: «فرزندان خود را از خانه‌شان بیرون کنید». با توجه به مالکیت پدر نسبت به خانه در معنای مجازی ..... است.

(وکالت ۸۰)

۱. به قرینه صارفه

۲. به قرینه مقایسه

۳. به قرینه مقالیه

۴. به قرینه عقلیه

✓ گزینه «۱» صحیح است.

(ر.ک به شرح تست شماره ۸)

۲۱- به کار بردن کلمه «قرار» برای تصمیمی از دادگاه‌ها که مربوط به ماهیت دعوی نیست در معنای ..... است.

(وکالت ۸۰)

۱. حقیقی

۲. حقیقت عرفیه

۳. مجازی

۴. حقیقت شرعیه (قانونی)

✓ گزینه «۱» صحیح است.

مطابق ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طور کلی یا جزئی باشد حکم نام دارد، در غیر این صورت قرار نامیده می‌شود. بر اساس این تعریف که توسط قانون گذار بیان شده قرار عبارت است از تصمیم دادگاه که راجع به ماهیت دعوا نباشد؛ بنابراین در فرض سؤال قرار در معنای حقیقی خود به کار رفته است.

نکته مهم: در برخی از کتب تألیفی اصول فقه گزینه ۴ صحیح اعلام شده است در حالی که در طرح تست مزبور ظرافت خاصی وجود دارد که باید توجه داشت، حقیقت و مجاز صفت لفظ است نه صفت معنا، به عبارتی ما لفظ را می‌گوییم حقیقت (اعم از حقیقت شرعی یا عرفی یا قانونی) است یا مجاز؛ اما نمی‌توانیم بگوییم که معنا حقیقت است یا مجاز بلکه باید بگوییم

معنای حقیقی و معنای مجازی یا استعمال حقیقی و استعمال مجازی (ر.ک به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی اصول استنباط اسلامی شماره ۳۸) با این توضیح ایراد گزینه ۴ مشخص می‌شود؛ چرا که در فرض سؤال طراح محترم معنا را از داوطلبین خواسته نه لفظ را، بنابراین، اگر پرسیده می‌شد که لفظ قرار چه نوع لفظی است در پاسخ باید گفته می‌شد که حقیقت (شرعیه، قانونی) است؛ یعنی گزینه ۴، در حالی که آنچه مورد نظر طراح بوده، معنا بوده است. مضافاً اینکه در گزینه چهار حقیقت شرعی و قانونی در یک معنا به کار رفته است در حالی که این دو با یکدیگر متفاوت هستند.

## ۲۲- صحت سلب، از علائم حقیقت است یا مجاز.....

(وکالت ۸۶)

۱. از علائم معنی حقیقی وضعی است.
  ۲. از علائم معنی عرفی لفظ است.
  ۳. از علائم معنی مجازی لفظ است.
  ۴. علامت هیچ‌یک از معنای حقیقی و مجازی نیست.
- ✓ گزینه «۳» صحیح است.
- علامت‌ها یا نشانه‌های شناسایی حقیقت و مجاز از یکدیگر عبارت است از:

۱. تصریح واضح
۲. تبادر
۳. عدم صحت سلب
۴. اطراد

۱. **تصریح واضح:** اگر واضح خود تصریح نماید که کدام معنا، معنای حقیقی و کدام معنا، معنای مجازی است در این صورت شک و تردید از بین می‌رود.
۲. **تبادر:** عبارت است از اینکه یک معنایی زودتر از بقیه از لفظ فهمیده شود؛ به عبارت بهتر، تبادر یعنی سبقت گرفتن و در اصطلاح اصولی زمانی است که لفظی بدون قرینه به کار برود و یکی از معنای زودتر از معنای دیگر به ذهن برسد که این تبادر و پیشی گرفتن یک معنا از سایر معانی، نشان از این دارد که این معنای حقیقی لفظ است و گرنه خصوصیتی نداشت که زودتر به ذهن برسد و این به خاطر رابطه‌ی وضعی است که یک معنا بدون قرینه زودتر از بقیه به